

DOR: 20.1001.1.26455714.1401.6.1.2.9

How Persian translations of the Qur'an deal with the translation of tools "Qad, Robba, Kam" with emphasis on the translation of Meshkini, Khorramshahi, Fooladvand and Elahiqamshei

(Received: 2022-02-21 Accepted: 2022-07-11)

Hossein Khani Kalghay¹
fatemeh savari²

Abstract

Accurate understanding of texts, especially the miraculous text of the Holy Quran, requires deciphering the words and instruments that make up the chain of speech, which, due to insufficient attention, has led to a misunderstanding of the meaning of the verses and the slip of many Persian translations of the Quran. There are tools in the Holy Qur'an that require careful translation and have different semantic meanings in different contexts. This research uses a descriptive-analytical method to translate the devices "tall, lord, short" due to the importance of recognizing their semantic meanings, which sometimes have a conflict between their semantic aspects, and any inaccuracy in correctly recognizing these meanings leads to deviation from revelatory purposes. The results show that most of the tools have not been correctly identified and translated, and in many places both the commentators' point of view and these tools have been ignored. The most slip is in the translation of "Qad" and "Rabba" and the least slip is in the translation of "Kam".

Keywords: Holy Quran Translation, Translation Criticism, Reduction and Duplication Tools, Qad, Robba, Kam

سال ششم

شماره اول

پیاپی: ۱۰

بهار و تابستان

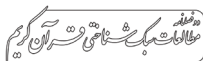
۱۴۰۱

1) ssistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Holy Quran Sciences and knowledge khoy iran. (The Corresponding Author) Email: khani@quran.ac.ir

2) Graduated in Quran and Hadith Sciences, University of Sciences and Knowledge of the Holy Quran, Khoi, Iran, email: f.savari.313@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۱۹-۱۴۰

DOR: 20.1001.1.26455714.1401.6.1.2.9

شیوه برخورد ترجمه‌های فارسی قرآن بابرگردان ادوات «قد، رب، کم» باتأکید بر ترجمه مشکینی، خرمشاهی، فولادوند و الهی قمشه‌ای

(تاریخ دریافت: ۱۳۰۲-۱۲-۱۴ تا تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱-۰۴-۲۰)

حسین خانی کلکلی^۱، فاطمه سواری^۲

چکیده

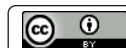
فهم درست و دقیق متون به‌ویژه متن اعجاز‌آمیز قرآن کریم نیازمند رمزگشایی از واژگان و ادواتی است که زنجیره کلام را تشکیل می‌دهند، که عدم توجه کافی به این امر، موجب درک نادرست مفهوم آیات و لغزش بسیاری از ترجمه‌های فارسی قرآن شده است. در قرآن کریم ادواتی وجود دارد که برگردان آنها و یافتن برابر نهاده برای آنها نیاز به دقت دارد، و در سیاق و بافت‌های مختلف، دلالت‌های معنایی متفاوتی دارند. این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی برگردان ادوات «قد، رب، کم» را با توجه به اهمیت تشخیص دلالت معنایی آنها که گاهی میان وجوه معنایی آنها تقابل وجود دارد و عدم دقت در تشخیص درست این دلالت‌ها موجب انحراف از اغراض و حیانی می‌شود، مورد بررسی قرار داده که نتایج حاصله نشان می‌دهد؛ اغلب ادوات به درستی تشخیص و ترجمه نشده‌اند و خیلی جاها نیز دیدگاه مفسران، در مورد این ادوات نادیده گرفته شده است. بیشترین لغزش در برگردان «قد» و «رب» وجود دارد و کمترین لغزش شامل ترجمه «کم» است.

واژگان کلیدی: ترجمه قرآن کریم، نقد ترجمه، ادوات تقلیل و تکثیر، قد، رب، کم.

۱) استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، (دانشکده علوم قرآنی خوی)، خوی ایران، (نویسنده مسئول) ایمیل:

khani@quran.ac.ir

۲) کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی خوی ایران ایمیل: f.savari.313@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. مقدمه

مترجمان قرآن خدمات بزرگی به قرآن ارائه کرده و در راه گسترش فرهنگ قرآنی گام‌های بلندی برداشته‌اند؛ اما ترجمه قرآن در طول تاریخ اسلام، سیر تکاملی را پیموده است و به اعتراف مترجمان قرآن، ترجمه نهایی و مطلوب تاکنون حاصل نشده است. از این رو لازم است ترجمه قرآن سیر تکاملی خویش را ادامه دهد و این حرکت تکاملی بدون نقد و بررسی و آسیب‌شناسی ترجمه‌های پیشین امکان ندارد. بنابراین آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآن به معنای نادیده گرفتن زحمات و نقاط قوت ترجمه‌ها نیست و اگر نامی از مترجمی محترم به میان می‌آید، نوعی احترام به اوست و این نقدها همچون اصل ترجمه‌ها، چراغ راه آیندگان خواهد شد تا ترجمه‌های استوارتر و دقیق و کامل‌تر از قرآن شکل بگیرد. در قرآن کریم ادواتی وجود دارد که مترجمان برای برگرداندن به زبان فارسی نیاز به دقت ویژه‌ای دارند. نمونه‌ای از این ادوات، ادوات تقلیل و تکثیر است که حضور این ادوات در متن، گاهی باعث ایجاد اشتباه در ترجمه می‌شود. این نابسامانی در برگرداندن، به دلیل دلالت این ادوات بر معانی گوناگون می‌باشد. مثلاً ادوات «قد» بر معانی گوناگونی مثل تقلیل، تکثیر، تقریب به زمان حال و تحقیق دلالت می‌کند و زمانی که بر سر فعل ماضی وارد شود معنای تحقیق و وقتی بر فعل مضارع داخل شود؛ معنای تقلیل و گاهی اوقات معنای تأکید می‌دهد و همچنین ادوات «رُبَّ» گاهی معنای تقلیل و گاهی معنای تکثیر می‌دهد که این موضوع باعث لغزش مترجمان گرامی شده است. این لغزش نه تنها از لحاظ نحوی است، بلکه ممکن است از لحاظ بلاغت نیز باشد. از آنجا که واژگان قرآنی، در درک مفاهیم آیات و استنباط احکام الهی، نقش بسزایی دارند و به دلیل اینکه می‌توانند معانی متفاوتی داشته باشند؛ اهمیت فراوانی دارند و عدم توجه کافی به این، موجب لغزش بسیاری از ترجمه‌های فارسی قرآن شده است. بنابراین این تحقیق، بر آن است تا برگردان و برابری ادوات «قد، رب، کم» را در ترجمه‌های فارسی قرآن به‌ویژه در دو ترجمه معروف مشکینی و خرمشاهی بررسی نماید.

۱.۱. سئوالات تحقیق

۱- دلالت‌های معنایی ادوات «قد»، «رب»، «کم» در قرآن کریم با توجه به سیاق و بافت آیات چیست؟

۲- نحوه برخورد ترجمه‌های فارسی با برگردان ادوات مذکور چگونه است؟

۱.۲. پیشینه پژوهش

با بررسی‌های انجام شده، کارهای پژوهشی که دقیقاً منطبق با این موضوع باشد، یافت نشد؛ چرا که این تحقیق به بررسی و تحلیل و نقد دلالت‌های معنایی تنها سه مورد از ادوات تقلیل و

تکثیر و نقد برگردان آنها با ارائه نمونه‌های متعدد به صورت جزئی و دقیق پرداخت نموده است. هر چند در این راستا پژوهش‌هایی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- صابری، علی، «چالش‌های مترجمان قرآن در برگرداندن ادوات تقلیل و تکثیر به زبان فارسی»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب، شماره ۵، ۱۳۹۰

- صدری، محمدجعفر، «آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم و طبقه‌بندی نقدهای ارائه شده»، پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۹۰.

- عباسی، اقبالی؛ زهره زرکار، «نقد ترجمه کنایه در ترجمه‌های فارسی قرآن کریم»، نشریه پژوهش دینی، شماره ۲۶، ۱۳۹۲.

- متقی زاده، عیسی؛ سید علاء نقی زاده، «بررسی معانی مختلف حرف «لکن» و نقد ترجمه‌های فارسی در قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، سال اول، شماره دوم، ۱۳۹۳.

- خانی کلقای، حسین؛ کوثر حلال‌خور، «بررسی ترجمه و معادل ساختاری مفعول مطلق با محوریت ترجمه‌ی استاد فولادوند (بررسی موردی سوره‌ی نساء)»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عرب، شماره ۱۲، ۱۳۹۴.

۲. ادوات در قرآن کریم

الأداة جمع آن ادوات است. به معنی ابزار (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۵/۱۴)، مانند «ادوات النجار»: ابزارآلات نجاری. اصل آن آدو می‌باشد. (بستانی، بی تا: ۳۲) ادوات اصطلاحی است مختص به کلمه‌ای که وظیفه‌ی نحوی مشترکی را بین حرف، اسم و فعل ایجاد می‌کند. (دحداج، ۱۳۷۷: ۱۹)

ادوات در قرآن یعنی حروف و هر چیزی که به حروف شباهت دارد؛ هر چند اسم یا فعل باشد. ادوات قرآن به دلیل اینکه می‌توانند معانی متفاوتی داشته باشند، اهمیت فراوان دارند. در کتاب الإیتقان فی علوم القرآن شناخت معانی این ادوات بر مفسر لازم دانسته شده است؛ لذا در این کتاب بابی مفصل به منظور بررسی و شناخت معانی ادوات قرآن گشوده شده است. (سیوطی، ۱۳۷۶: ۲۷۶) همین کار نیز در کتاب البرهان فی علوم القرآن زرکشی به چشم می‌خورد. (زرکشی، بی تا: ۷۴۲) ادوات در صرف، نام برخی از حروف و اسماء است؛ مانند «الأدوات الجازمه». (راغب اصفهانی، بی تا: ۳۱۲) ادوات قرآن فراوانند؛ مانند ادوات نهی، نفی، استفهام، عطف، تأکید، استثناء، دعا، نداء، تعلیل، اختصاص، تقلیل، تکثیر، تمنی، تنبیه، شرط، موصول، امر، عرض، غایت، و... (سیوطی، ۱۳۷۶: ۲۷۶)

این پژوهش بر آن است به برخی از این ادوات که دلالت بر تکثیر یا تقلیل معنا دارند در فرایند ترجمه‌های فارسی قرآن بپردازد.

۲. ۱. قد

«قد» در قرآن کریم ۲۲۱ بار بکار رفته و برای آن ۵ معنای مختلف و متضاد ذکر شده است (همان: ۱۶۹)

۱- **تقلیل:** یکی از معانی «قد» تقلیل است. در این صورت «قد» مختص به فعل مضارع می‌باشد؛ مانند: «إِنَّ الْكُذُوبَ قَدْ يَصْدُقُ» (انسان بسیار دروغگو گاهی راست می‌گوید) و مانند: «إِنَّ الْجَوَادَ قَدْ يَفْتَقِرُ» (انسان بخشنده، گاهی بخل می‌ورزد) (شیرافکن، ۱۳۹۲: ۵۸۲) این معنای «قد» محل بحث ماست و در زیر به توضیح آن پرداخته می‌شود:

تقلیل یا تقلیل وقوع فعل مانند: «قد یجود البخیل» (انسان بخیل گاهی می‌بخشد) یا تقلیل متعلق فعل مانند: ﴿إِلَّا إِنْ لَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيَنْبِتُهُمْ بِمَا عَمِلُوا ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (نور/۶۴).

۲- **تحقیق و تأکید:** در این صورت مختص به فعل ماضی می‌باشد. (نظری، ۱۳۷۵: ۵۸۲)

گاهی «قد» بر فعل مضارع داخل می‌شود و معنای تحقیق و تأکید می‌دهد، مشروط به این‌که قرینه‌ای در کار باشد. مانند: ﴿إِلَّا إِنْ لَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيَنْبِتُهُمْ بِمَا عَمِلُوا ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (نور/۶۴) (محمود بختیاری، ۱۳۳۲: ۱۸۷) «به تحقیق که خداوند به بازدارندگان از شما علم دارد.» قرینه‌ای که در اینجا وجود دارد و دلالت می‌کند بر این‌که «قد» معنای تحقیق دارد، یک قرینه معنوی است و آن این‌که درست است که «قد» اگر بر فعل مضارع داخل شود، معنای تقلیل می‌دهد، لکن در این مورد تقلیل محال می‌باشد؛ زیرا لازم می‌آید خداوند گاهی بداند و گاهی نداند (نستجیر بالله). البته در این آیه توجیهاات دیگری نیز وجود دارد. (نظری، ۱۳۷۵: ۵۸۲)

گاهی بر «قد» لام ابتدا داخل می‌شود که در این صورت به معنی تحقیق و تأکید خواهد بود. (بیاتی شوکت، بی تا: ۱۴۶) مانند ﴿لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلْمُتَلَدِّينَ﴾ (یوسف/۷) (در داستان) یوسف و برادرانش، نشانه‌های (هدایت) برای سائل بود.

۳- **توقع:** یعنی انتظار وقوع فعل، مانند «قد یجئ المسافر الیوم» (مسافر امروز می‌آید)؛ در صورتی که متکلم توقع و انتظار آمدن او را داشته باشد؛ لذا این معنا به وسیله قرائن دانسته می‌شود. (نظری، ۱۳۷۵: ۵۸۱). کاربرد قد توقع با فعل ماضی نمی‌تواند به معنی انتظار باشد، چرا که فعل، واقع شده و تمام شده است. اما کاربرد قد توقع با فعل ماضی چنین توجیه می‌کنند که تو توقع و انتظار انجام آن را داشتی و آن، انجام شده است. مانند این آیه شریفه ﴿قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا﴾ (مجادله/۱) چرا که وی توقع و انتظار استجاب دعایش را داشته است. (اسمر، ۲۰۰۵: ۱۷۰)

۴- **تقریب ماضی به حال:** یکی از معانی و فواید «قد» این است که زمان فعل ماضی را به حال نزدیک می‌کند، مانند: «قد ركب الأمير» (کمی قبل امیر سوار شد) به همین جهت «قد»

را حرف تقریب نیز نامیده‌اند. (شیرافکن، ۱۳۹۲: ۵۸۱)

۵- **تکثیر**: یکی از معانی غریب و نادرست که برخی از مفسرین از جمله زمخشری به آن در این آیه شریفه اشاره کرده است: ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ﴾ (بقره/۱۸۰) (اسمر، ۲۰۰۵: ۱۷۲)

۲.۲. رُبَّ

رُبَّ یکی از حروف جر است. که از چند جهت قابل بررسی است:

برای «رُبَّ» دو معنا ذکر شده است: ۱- تقلیل: به معنای اینکه مجرورش بسیار کم؛ متصف به صفتی که به صورت فعل ماضی بعد از آن نقل می‌شود. مانند: «رُبَّ رَجُلٍ كَرِيمٍ لَقِيْتُهُ» چه بسیار اندک مرد کریمی که ملاقات کرده باشم. غالباً معنای «رُبَّ» همین است. ۲- تکثیر: بر خلاف معنای تقلیل، برای بیان زیادت یک چیز به کار می‌رود. این دو معنا از مقتضیات مقام و قرائن دانسته می‌شوند. (دحداج، ۱۳۷۷: ۵۳۳)

«رُبَّ» در زبان فارسی به معنای «چه بسا» می‌آید. مانند: «رُبَّ رَجُلٍ كَرِيمٍ لَقِيْتُهُ»: چه بسا مرد کریمی دیدم. و یا به معنای «بسی»؛ «رُبَّ فَقِيرٍ اَغْنَيْتُهُ»: بسی فقیر را ثروتمند کردم. یعنی گاهی برای کم کردن و گاهی برای زیاد کردن می‌آید. (صفائی حائری، ۱۳۸۱: ۲۰۷)

در الإتقان برای «رُبَّ» هشت معنا ذکر شده است:

- ۱- همیشه برای کم شمردن است، بیشتر علما بر این قول هستند.
 - ۲- همیشه برای بسیار شمردن است، مانند فرموده خداوند تعالی ﴿رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ (حجر/۲) «که بسیار آرزو کنند کافران ای کاش مسلمان بودند»؛ ولی آن‌ها که قول اول را اختیار کرده‌اند گویند: کافران در احوال قیامت غوطه‌ورند، و از آن حالت بیرون نمی‌آیند که این آرزو را داشته باشند، مگر اندکی از آن‌ها.
 - ۳- به‌طور مساوی در هر دو معنی به کار می‌رود.
 - ۴- غالباً برای تقلیل است.
 - ۵- عکس قول سابق.
 - ۶- برای هیچ‌یک از این دو معنی وضع نشده، بلکه حرف اثبات است که نه بر تقلیل دلالت می‌کند و نه بر تکثیر، و این معانی را از خارج می‌فهمیم.
 - ۷- هنگام مباحثات و افتخار برای تکثیر است، و در غیر اینها برای تقلیل.
 - ۸- برای مبهم عدد است، هم برای تقلیل می‌آید و هم برای تکثیر (سیوطی، ۱۳۷۶: ۵۶۲)
- در البرهان آمده است که: «رُبَّ» حرف جر شبیه به زائد است به معنی تقلیل و شرطش این است که اولاً در صدر کلام باشد؛ ثانیاً مجرور آن اسم نکره و غالباً موصوف است. (بیاتی شوکت، بی تا: ۱۰۴).

«رَبِّ» حرف جرّی است و ویژه اسم‌های نکره و در مفهوم این واژه که آیا برای تقلیل است یا تکثیر، تفاوت دیدگاه‌ها فراوان است، اما نحویان غالباً مفهوم تقلیل را ترجیح می‌دهند. (سیوطی، ۱۳۷۶: ۵۶۲) برخی نیز بر این باورند که از واژگان اُضداد است، لذا نه ویژه تقلیل است و نه ویژه تکثیر، بلکه باید از سیاق کلام به مفهوم تقلیل یا تکثیر آن پی برد. و شاید آنجا که سببویه آن را همانند «كَمْ» خبری می‌داند و یا هنگامی که صاحب‌العین می‌گوید: «يَقَعُ عَلَيَّ وَاحِدٍ يَعْنِي بِالْجَمِيعِ» نیز منظور همان تکثیر باشد. اما برخی از صاحب‌نظران «رَبِّ» را در بیان مفهوم تقلیل، همانند «كَمْ» خبری در بیان تکثیر می‌شمارند. گاهی نیز حرف «ما»ی کافّه به آخر این حرف متصل می‌شود و آن را از اختصاص به اسم و مجرور کردن آن بازمی‌دارد. مثلاً صاحب‌الایتقان هشت دیدگاه گوناگون در مفهوم آن بیان می‌کند که در قسمت بررسی ادوات تقلیل از لحاظ نحو بیان شد و با بررسی که پیرامون «رَبِّ» در قرآن انجام شد؛ به این نتیجه دست یافته شد که «رَبِّ» یک‌بار در قرآن به کار رفته است و معنای تکثیر را داراست. (همان: ۵۶۲)

«رَبِّ» اغلب برای تکثیر به کار می‌رود و بعد از آن هم فقط فعل ماضی استعمال می‌شود و دخول «ما» کارکرد و دلالت آن را تغییر نمی‌دهد. همان‌طور که در این آیه شریفه آمده است ﴿رُبَّمَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (حجر/۲) و «کان» بعد از آن در تقدیر است. (اسمر، ۲۰۰۵: ۱۳۶)

۲. ۳. کم خبری

«کم» یکی از الفاظ کنایه است و به‌طور کلی به دو معنا استفاده می‌شود: «کم» استفهامیه و «کم» خبریه. (شیرافکن، ۱۳۹۲: ۳۳۱)

«کم» استفهامیه به معنای «چه اندازه»، «چه تعداد» و «کم» خبریه به معنای «چه بسیار» است. کلمه بعد از «کم» استفهامیه به صورت مفرد، منصوب و کلمه بعد از «کم» خبریه مؤنث، مفرد یا جمع مجرور است. مانند: (کم کتاباً لک: چند کتاب داری؟) (کم کتاب (کتاب) لک! کتاب‌های زیادی داری!) (کشفی، ۱۳۸۳: ۲۳۷) «کم» خبری اغلب در مقام فخرفروشی و مباحثات بکار می‌رود چرا که دلالت به تکثیر می‌کند. (اسمر، ۲۰۰۵: ۱۹۴)

۳. نقد و بررسی «قد، رَبِّ، کم» در ترجمه‌های منتخب فارسی قرآن کریم

۳. ۱. قد

﴿أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (نور/۶۴)

* مشکینی: حتماً آنچه را که شما بر آنید (از حالات جسمی و اوصاف روحی و شئون اجتماعی) می‌داند.

* الهی‌قمش‌های: شما به هر حالی باشید البته خدا از آن آگاه است.

* فولادوند: به یقین آنچه را که برآید می‌داند.

* خرمشاهی: به راستی می‌داند که شما اکنون در چه کاری هستید.

درباره «قد» که در آیه به کار رفته است؛ اختلاف نظر است. اکثراً آن را حرف تحقیق و تأکید دانسته‌اند. مثل فخررازی، بیضاوی در تفسیر أنوارالتنزیل، قمی مشهدی در تفسیرکنز الدقائق، فیض کاشانی در تفسیر صافی، و همچنین در تفسیر کشاف، تفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۱۶؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۴۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵۲؛ زمخسری، ۱۴۰۷: ۲۶۰؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۳۱۶) در کتاب اعراب القرآن الکریم و بیان «قد» برای تکثیر است. (درویش، ۱۴۱۵: ۶۶۱/۴) فراء و ابن جزری آن را حرف تقلیل گرفته‌اند. (عبابنه، بی تا: ۲۶۴)

علیرغم اختلاف مفسران در مورد آیه مذکور معنای تقلیل ترجیح دارد؛ زیرا همان‌طور در قسمت قبلی گفته شد: «قد» بر سر فعل ماضی به معنی تحقیق و تأکید است. بر سر فعل مضارع وارد شود، معنای تقلیل می‌دهد. تقلیل بر دو صورت است: ۱- تقلیل وقوع خود فعل؛ مانند: «قد یصدق الكدوب و قد یجود البخیل» ۲- تقلیل متعلق فعل. (مدنی، بی تا: ۸۸۱) سیبویه می‌گوید: در این آیه تقلیل متعلق فعل است. زیرا کلمه «قد» دلالتی ندارد که فعل مابعد «یعلم» کم است، بلکه دلالت دارد بر اینکه «قَدْ یَعْلَمُ ما أَنْتُمْ عَلَیْهِ» که معمول و متعلق به «یعلم» است نسبت به «یعلم» بسیار کم است. (صفائی، ۱۳۸۱: ۲۹۳) بنابراین، این کاستی مربوط به میزان دانش خداوند نیست، بلکه مربوط است به میزان آگاهی که آنان نسبت به این دانش دارند و این آگاهی شامل کمترین حد دانش خداوند است.

پس با این حساب به این نتیجه دست یافته شد که «قد» در آیه مذکور معنای تقلیل را می‌دهد. اکنون به مقایسه ترجمه‌ها پرداخته می‌شود:

«قد» در ترجمه مشکینی «حتماً»، در ترجمه خرمشاهی «به راستی»، در ترجمه فولادوند «به یقین» ترجمه شده است. در واقع در سه ترجمه مذکور «قد» به معنای تأکید ترجمه شده است. در ترجمه الهی‌قمش‌های هم «البته» معنا شده است و علیرغم نظر اکثر مفسران معنای تقلیل را نادیده گرفته‌اند. و «قد» را در این آیه تأکید معنا نموده‌اند. در ادامه بررسی آیه مذکور باید گفت که در ترجمه مشکینی، فولادوند و خرمشاهی فعل (یعلم) به صورت مضارع معنا شده است. ولی در ترجمه الهی‌قمش‌های به صورت جمله اسمیه و فعل اسنادی معنا شده است که دقیق نیست. «ما» اسم موصول و مفعول به است که در ترجمه مشکینی و فولادوند به صورت صحیح «آنچه را» ترجمه شده است. و در ترجمه خرمشاهی «که» ترجمه شده است. و در ترجمه الهی‌قمش‌های «ما» ترجمه نشده است. عبارت «انتم علیه» ترجمه صحیح آن، «شما برآید» است که فقط در ترجمه مشکینی به درستی معادل‌سازی شده و در ترجمه فولادوند «برآید» ترجمه

کرده و «انتم» را نادیده گرفته است و در ترجمه خرمشاهی به صورت «شما اکنون در چه کاری هستید» ترجمه کرده است. الهی‌قمشه‌ای نیز، عبارت را «به هر حالی باشید» ترجمه کرده است. ترجمه پیشنهادی: (خداوند) می‌داند آنچه را (که) شما برآیند (از احوال ظاهر و باطن، اخلاص و نفاق)، (در مقابل دانش خداوند) اندک است. با بررسی آیاتی که در آنها «قد» به کار رفته است، مشخص شد که اغلب برای بیان تحقیق و تأکید است و تنها در این مورد معنای تقلیل می‌دهد.

- ﴿قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ﴾ (بقره/۱۴۴)

* مشکینی: حتما ما به هر سو گشتن رویت را در آسمان (مانند کسی که منتظر امری باشد) می‌بینیم.

* الهی‌قمشه‌ای: ما توجه تو را بر آسمان (به انتظار وحی و تغییر قبله) بنگریم.

* فولادوند: ما (به هر سو) گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم.

* خرمشاهی: آری رویکرد تو را به آسمان می‌بینیم.

«قد» در این آیه مورد اختلاف واقع شده است. بعضی مفسران «قد» را به معنای تحقیق گرفته‌اند. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۷۹؛ دعاس، ۱۴۲۵: ۶۶)

و بعضی آن را تکثیر معنا کرده‌اند. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۲۰۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱/۴۰۷؛ درویش، ۱۴۱۵: ۲۰۶) مشهور میان مفسران آن است که «قد» در این آیه به معنی تکثیر است. (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴: ۱۲۲)

شان نزول آیه این است که یهود، پیامبر اسلام (ص) را سرزنش می‌کردند و می‌گفتند: تو تابع ما هستی، زیرا نماز را به قبله ما می‌خوانی. حضرت از این سخن بسیار ناراحت شدند تا اینکه نیمه شب از خواب برخاستند و به آسمان نگاه می‌کردند و منتظر آنکه حق تعالی او را فرجی مرحمت فرماید. چون روز شد وقت نماز ظهر، که حضرت در مسجد بنی سالم نماز ظهر دو رکعت به‌جا آورد. جبرئیل نازل و بازوی مبارک را گرفته به طرف کعبه متحول ساخت و آیه شریفه نازل شد. (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۲۷۹)

بین مترجمان نیز اختلاف واقع شده است. «قد» در ترجمه مشکینی به صورت «حتماً»، در ترجمه خرمشاهی «آری» ترجمه شده و در ترجمه الهی‌قمشه‌ای معنا نشده و در ترجمه فولادوند به صورت قید کیفیت «نیک» ترجمه شده است. همان‌طور که می‌بینید، مترجمان معنای تکثیر را نادیده گرفته‌اند.

ترجمه پیشنهادی: ما به هر سو گشتن رویت در آسمان (به انتظار وحی و تغییر قبله) را بسیار می‌بینیم.

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ﴾ (صف/۵)
* مشکینی: و (به یاد آر) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، چرا مرا می آزارید در حالی که می دانید من فرستاده خدا به سوی شمایم؟!
* الهی قمشه‌ای: (یاد آر) وقتی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم، برای چه مرا رنج و آزار می دهید.

* فولادوند: و (یاد کن) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، چرا آزارم می دهید، با اینکه می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم.
* خرمشاهی: و چنین بود که موسی به قومش گفت: ای قوم من چرا مرا می آزارید و حال آنکه می دانید که پیامبر خداوند به سوی شما هستم.

«قد» در اینجا میان مفسران مورد اختلاف واقع شده است و اکثراً آن را حرف تأکید و تحقیق گرفته‌اند. (دعاس، ۱۴۲۵: ۳۳۷/۳؛ صاوی، ۱۴۲۷: ۱۹۴/۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۲۶۲/۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۴۴/۷؛ طنطاوی، بی تا: ۳۵۷/۱۴؛ صافی، ۱۴۱۵: ۲۳۳/۲۸؛ جمل، ۱۴۲۷: ۴۹۳/۷؛ ابوحنیان، ۱۴۰۷: ۱۰۹۷/۲؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۴: ۵۶۵/۱؛ نیشابوری، ۱۴۱۶: ۲۹۶/۶؛ ابوالسعود، بی تا: ۲۴۳/۸؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۶۱/۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۸۲/۱۸؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۲۸/۲۹؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۰۸/۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۷۹/۱۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۲۱/۴؛ درویش، ۱۴۱۵: ۷۹/۱۰)

صاحب جامع‌البیان آن را حقاً ترجمه کرده است. (طبری، پیشین: ۵۷/۲۸)

و صحیح آن است که «قد» در اینجا به معنای تأکید باشد؛ زیرا همان‌طور که گفته شد گاهی اوقات قد بر سرفعل مضارع معنای تأکید می‌دهد و حال آنکه مترجمان محترم معنای آن را نادیده گرفته‌اند و در ترجمه‌های خود فقط «واو» قبل از «قد» را که معنای حالیه می‌دهد، معنا کرده‌اند.

ترجمه پیشنهادی: و (به یاد آر) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، چرا مرا می آزارید در حالی که قطعاً می دانید من فرستاده خدا به سوی شمایم؟!

﴿قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ﴾ (انعام/۳۳)

* مشکینی: به یقین می‌دانیم که آنچه آنها می‌گویند (تو را ساحر و شاعر و مجنون می‌خوانند) تو را غمگین می‌سازد.

* الهی قمشه‌ای: ما به تحقیق می‌دانیم که کافران در تکذیب تو سخنانی می‌گویند که تو را افسرده و غمگین می‌سازد.

* فولادوند: به یقین می‌دانیم که آنچه می‌گویند تو را سخت غمگین می‌کند.

* خرمشاهی: نیک می‌دانیم که آنچه ایشان می‌گویند اندوهگینت می‌کند.

«قد» در این آیه نیز مورد اختلاف مفسران واقع شده است و بعضی آن را حرف تحقیق گرفته‌اند. همچنین در کتاب شرح التسهیل المسمی تمهید القواعد بشرح تسهیل الفوائد نیز به همین معنا آمده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۱/۷؛ شبر، ۱۴۰۷: ۲۵۲/۲؛ سیوطی، ۱۳۷۶: ۱۲۴/۱؛ ناظرالجیش، بی‌تا: ۲۱۳/۱) و بعضی آن را حرف تکثیر گرفته‌اند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۵۹/۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۱۶/۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲۷/۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۷/۲؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ۲۵/۳؛ حائری تهرانی، ۱۳۷۷: ۱۵۹/۴؛ درویش، ۱۴۱۵: ۹۹/۳؛ دعاس، ۱۴۲۵: ۲۹۹) مفهوم تکثیر از سیاق کلام فهمیده می‌شود نه از کلمه «قد»؛ زیرا علم که در این آیه آمده است؛ فزونی و کثرت نمی‌پذیرد. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۲۷؛ سمین، ۱۴۱۴: ۴۷/۳) همان‌گونه که در دلالت «قد» بر تقلیل بیان شد، در این مفهوم نیز ممکن است تکثیر مربوط به وقوع خود فعل نباشد، بلکه به وابسته‌های آن بازگردد. (طنطاوی، بی‌تا: ۶۵/۵)

چون اگر خود (علم) که در این آیه آمده است، فزونی یا کاستی پذیرد، مستلزم آن است که حادث باشد. و در این صورت، این حدوث شامل صاحب آن دانش (خدا) نیز می‌گردد. در حالی که وقتی «قد» بر سر «علم» بیاید؛ و آن «علم» متعلق به خداوند باشد، لازم است که صفت استمرار، دیرینگی و همیشگی داشته باشد، نه حدوث. بنابراین آن مفهوم تکثیر که از واژه «قد» در این آیه فهمیده می‌شود، باید مربوط به وابسته‌های (علم)، یعنی معلومات آن باشد، نه خود علم. (صابری، ۱۳۹۴: ۱۴۶)

در ترجمه‌های مشکینی و فولادوند «به یقین» و در ترجمه الهی‌قمشه‌ای «به تحقیق» معنا کرده‌اند. و در ترجمه خرمشاهی آن را قید کیفیت «نیک» ترجمه کرده است. و هر کدام از مترجمان سعی کرده‌اند که «قد» را معنا کنند. ولی همان‌طور که مشاهده می‌شود، هیچ‌یک از مترجمان به معنای تکثیر «قد» توجهی ننموده‌اند. بنابراین ترجمه‌ی دقیقی وجود ندارد.

ترجمه پیشنهادی: بسیار می‌دانیم که آنچه آنها می‌گویند (تو را ساحر و شاعر و مجنون می‌خوانند) قطعاً تو را غمگین می‌سازد.

- ﴿وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَنْكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ﴾ (حجر/۹۷)

* مشکینی: و به یقین ما می‌دانیم که تو سینه‌ات از آنچه آنها می‌گویند تنگ می‌شود.

* الهی‌قمشه‌ای: و ما محققاً می‌دانیم که تو از آنچه امت (در طعنه و تکذیب تو) می‌گویند سخت دل‌تنگ می‌شوی.

* فولادوند: و قطعاً می‌دانیم که سینه تو از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود.

* خرمشاهی: به خوبی می‌دانیم که از آنچه می‌گویند دل‌تنگ می‌شوی.

در این آیه نیز میان مفسران اختلاف است. اکثر مفسران «قد» را حرف تحقیق گرفته‌اند. (سیوطی، ۱۳۷: ۲۰۷/۱؛ جمل، ۱۴۲۷: ۲۰۱/۴؛ صافی، ۱۴۱۵: ۲۷۷/۱۴؛ طنطاوی، بی‌تا: ۸/۸؛ دعاس، ۱۴۲۵: ۱۵۰/۲) و صاحب اعراب القرآن و بیان «قد» در این آیه را حرف تحقیق و تکثیر گرفته است. (درویش، ۱۴۱۵: ۲۶۴/۵)

مترجمان «قد» در آیه مذکور را نادیده گرفته‌اند و از معنای تکثیر آن غفلت ورزیده‌اند. اگر در ترجمه‌ها تأکیدی می‌بینید، مربوط است به لام تأکید که بر سر «قد» وارد شده است. این آیه همانند آیه ۳۳ سوره انعام کثرت و فزونی مربوط به وابسته‌های فعل است نه خود فعل (علم). بنابراین دیدگاه تکثیر برای این آیه مناسب است.

ترجمه پیشنهادی: و قطعاً بسیار ما می‌دانیم که تو سینه‌ات از آنچه آن‌ها می‌گویند، تنگ می‌شود.

در این بررسی آیاتی که در آن‌ها ادوات تکثیر از لحاظ نحو به کار رفته است؛ به پایان رسید. در ادامه آیاتی که از لحاظ بلاغت معنای تکثیر را می‌دهد، بررسی می‌شوند. همان‌طور که بیان شد: یک مورد، آن هم نکره آوردن مسندالیه، معنای تکثیر را می‌دهد. بنابراین به بررسی آیاتی که در آن‌ها مسندالیه نکره آورده شده، می‌پردازد.

– ﴿وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَاَنْفَجَرْتَ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَّشْرَبُهُمْ كَلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللّٰهِ وَلَا تَعْنُوا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾ (بقره/۶۰)

* مشکینی: و (به یاد آرید) هنگامی که موسی برای قوم خود آب طلبید؛ گفتیم: عصای خود را بر آن سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جوشید (برای دوازده سبط از نسل یعقوب)، هر گروهی آب‌شخور خود را شناخت، (و گفتیم) از روزی خداوند بخورید و بیاشامید و در روی این زمین تبه‌کارانه حرکت نکنید.

* الهی‌قمش‌های: و (به یاد آرید) وقتی که موسی برای قوم خود طلب آب کرد، به او گفتیم: عصای خود را بر سنگ زن، پس دوازده چشمه آب از آن سنگ جوشید و هر سبطی آب‌شخور خود را دانست (و گفتیم) از آنچه خدا روزی شما ساخته بخورید و بیاشامید و در زمین به فتنه‌انگیزی و فساد نپردازید.

* فولادوند: و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد. گفتیم: «با عصایت بر آن تخته سنگ بزن.» پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت. (به گونه‌ای که) هر قبیله‌ای آب‌شخور خود را می‌دانست. (و گفتیم) «از روزی خدا بخورید و بیاشامید. (ولی) در زمین سر به فساد برمدارید.

* خرمشاهی: و چون موسی برای قومه در طلب آب برآمد، به او گفتیم با عصایت به آن سنگ بزن. آنگاه از آن دوازده چشمه شکافت. و هر گروهی (از اسباط) آب‌شخور خود را

شناختند. گفتیم) از روزی خداوند بخورید و بیاشامید و در این سرزمین فتنه و فساد برپا نکنید. «قد» در این آیه معنای تحقیق و تأکید را دارد. (صافی، ۱۴۱۵: ۱۳۹/۱؛ درویش، ۱۴۱۵: ۱۱۰/۱؛ دعاس و حمیدان و قاسم، ۱۴۲۵: ۲۸/۱) هیچ‌یک از مترجمان «قد» را معنا نکرده‌اند. ترجمه پیشنهادی: و (به یاد آرید) هنگامی که موسی برای قوم خود آب طلبید؛ گفتیم: عصای خود را بر آن سنگ بزن. پس دوازده چشمه از آن جوشید (برای دوازده سبط از نسل یعقوب)، قطعاً هر گروهی آب‌خوار خود را شناخت، (و گفتیم) از روزی خداوند بخورید و بیاشامید و در روی این زمین تبه‌کارانه حرکت نکنید.

۲.۳. رَبُّ

— ﴿رَبُّمَا يَوْمَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ﴾ (حجر/۲)

* مشکینی: چه بسا کسانی که کفر ورزیده‌اند (در وقت دیدن پیروزی مسلمین یا در وقت مرگشان یا در روز جزا) آرزو کنند که کاش مسلمان بودند.

* الهی‌قمشه‌ای: کافران (چون چشم حقیقت بین بگشایند) ای بسا آرزو کنند که کاش مسلم و خداپرست بودند.

* فولادوند: چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند.

* خرمشاهی: چه بسا کافران آرزو کنند که کاش مسلمان بودند.

در مورد دلالت معنایی «رَبُّ» در این آیه اختلاف نظر وجود دارد. بعضی گفته‌اند: اصل «رَبُّ» برای بیان تقلیل است. (عکبری، بی تا: ۱؛ صابونی، ۱۴۲۱: ۹۷/۲) در بعضی تفاسیر آمده است که گاهی برای بیان تقلیل و گاهی برای بیان تکثیر است. (شوکانی، ۱۴۱۴: ۱۴۱/۳؛ طنطاوی، بی تا: ۱۱/۸) کسانی که «رَبُّ» در این آیه، تقلیل گرفته‌اند این چنین توجیه می‌کنند: «این شیوه عرب است که وقتی قصد تکثیر دارند، از واژگانی استفاده می‌کنند که برای تقلیل وضع شده است.» (فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۱۷/۱۹)

و این شیوه تعبیر را گویاتر از کاربرد خود ادوات تکثیر می‌دانند. همان‌گونه که در بیان عاطفی بودن زیاد یک انسان به جای اینکه بگوییم: «او از حوادث، بسیار متأثر می‌شود» می‌گوییم: «او از اندک حادثه‌ای متأثر می‌شود.» (صابری، ۱۳۹۴: ۱۴۶)

مفسرانی که «رَبُّ» را تکثیر گرفته‌اند؛ آیه را این چنین معنا نموده‌اند: بسیار آرزو می‌کنند که ای کاش مؤمن بودند. در مورد زمان آرزو اقوالی وارد شده است: ۱- زمانی که مسلمانان به پیروزی می‌رسند؛ کافران آرزو می‌کنند که ای کاش مسلمان بودند. ۲- زمان مرگ. ۳- قبر. ۴- روز قیامت. (کاشانی، ۱۴۲۳: ۵۰۶/۳)

با توجه به توضیحات بالا، صحیح آن است که «رَبُّ» در این آیه برای بیان تکثیر است. چون اگر به معنای تکثیر بگیرند، به مفهوم آیه نزدیک‌تر است. اینک به مقایسه ترجمه‌ها

پرداخت می‌شود: «رُبَّ» در ترجمه‌های مشکینی، خرمشاهی و فولادوند به صورت «چه بسا» و در ترجمه الهی‌قمشه‌ای «ای بسا» ترجمه شده است. بنابراین در این آیه نیز مترجمان محترم، معنای تکثیر «رُبَّ» را نادیده گرفته‌اند.

ترجمه پیشنهادی: کافران (در وقت مرگ، یا روز قیامت، یا در هنگام پیروزی مسلمانان) بسیار آرزو کنند که ای کاش مسلمان بودند.

۳.۳. کم

﴿سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (بقره/۲۱۱)

* مشکینی: از بنی اسرائیل بپرس: چه بسیار نشانه‌های روشن به آنان عطا کردیم.
* الهی‌قمشه‌ای: (ای پیغمبر) از بنی اسرائیل سؤال کن که ما چقدر آیات و ادله روشن بر آنها آوردیم.

* فولادوند: از فرزندان اسرائیل بپرس: چه بسیار نشانه‌های روشنی به آنان دادیم.
* خرمشاهی: از بنی اسرائیل بپرس چه بسیار معجزه آشکار به آنان (نشان) دادیم.

میان مفسران در مورد «کم» اختلاف نظر است و گفته‌اند: که «کم» در این آیه هم معنای خبر و هم معنای استفهام را می‌دهد (فخررازی، ۱۴۲۰: ۳۶۵/۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۳۴/۱) و برخی قطعاً آن را پرسشی می‌دانند. (ابن عاشور، بی تا: ۲۷۲/۲) اما برخی دیگر خبری و پرسشی بودن آن را جایز می‌شمارند و برخی در بیان نوع آن سکوت کرده‌اند. در آیه، نخست دستور داده می‌شود که «بپرس: سل»، اما مورد سؤالی ذکر نمی‌شود! یعنی درباره چه چیزی بپرسد، مشخص نیست. (صابری، ۱۳۹۴: ۱۳۴)

از آنجا که جمله تعجبی یا پرسشی را در نوشتار فارسی تنها از طریق علامت «؟» یا «!» می‌توان از هم شناخت و برخی ترجمه‌های قرآن فاقد نشانه‌های نگارشی است، اما باز می‌توان دریافت که مترجمان محترم در خبری یا پرسشی بودن «کم» در این آیه هماهنگ نیستند. صحیح آن است که «کم» در اینجا معنای تکثیر را بدهد. با توجه به اینکه تمیز آن «من آیه» مفرد و مجرور است. مشخص می‌شود که «کم» در آیه مورد نظر، «کم خبری» است. اینک به ترجمه‌ها توجه شود: «کم» در ترجمه مشکینی «چه بسیار نشانه‌های روشن»، و در ترجمه الهی‌قمشه‌ای «چقدر آیات و ادله روشن»، و در ترجمه فولادوند «چه بسیار روشنی»، و در ترجمه خرمشاهی «چه بسیار معجزه آشکار» ترجمه شده است. بنابراین از میان چهار ترجمه، ترجمه مشکینی و فولادوند دقیق‌تر است. در ترجمه خرمشاهی «چه بسیار معجزه» آمده است. در حالی که معنای «آیه» نشانه است، نه معجزه. و در ترجمه الهی‌قمشه‌ای، معنای تکثیر «کم» در نظر گرفته نشده، بلکه به صورت پرسشی ترجمه شده است.

ترجمه پیشنهادی: از بنی اسرائیل بپرس: چه بسیار نشانه‌های روشن به آنان عطا کردیم.

﴿أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ﴾ (سجده/۲۶)

* مشکینی: و آیا آن‌ها را هدایت نکرد و برایشان روشن ننمود که چه بسیار گروه‌هایی از انسان‌ها را پیش از آن‌ها هلاک کردیم، که اینها در مسکن‌های آن‌ها راه می‌روند (و آثار هلاکت و ویرانی خانه‌های آن‌ها را می‌بینند)؟! همانا در این امر نشانه‌هایی است (از توحید و قدرت خدا)

* الهی قمشه‌ای: آیا آن طوایف و قبایلی را که ما پیش از این مردم کنونی هلاک کردیم و اینان اینک در دیارشان به جای آنها رفت و آمد می‌کنند هلاک آنها موجب هدایت و عبرت اینان نگردید؟ البته در این هلاک پیشینیان آیاتی (از پند و عبرت خلق) است.

* فولادوند: آیا برای آنان روشن نگردیده که چه بسیار نسل‌ها را پیش از آن‌ها نابود گردانیدیم (که اینان) در سرراهیشان راه می‌روند؟ قطعاً در این (امر) عبرت‌هاست.

* خرمشاهی: آیا برای ایشان روشن نشده است که پیش از آنان چه بسیار نسل‌هایی را نابود کردیم که (اینان) بر خانه و کاشانه‌هایشان می‌گذرند، بی‌گمان در این مایه‌های عبرت است.

در آیه مورد نظر، (کم) خبری است و معنای تکثیر دارد و اختلافی در بین مفسران دیده نشد. ولی با بررسی ترجمه‌ها، از میان چهار ترجمه؛ ترجمه الهی قمشه‌ای معنای تکثیر را نادیده گرفته است. در ترجمه مشکینی، خرمشاهی و فولادوند «چه بسیار» ترجمه شده است. اما ترجمه مشکینی دقیق‌تر است.

﴿قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِّنْ فِتْنَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِتْنَةَ كَثِيرَةٍ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ...﴾ (بقره/۲۴۹)

* مشکینی: (اما) کسانی که باور داشتند که دیدارکننده خدایند (مؤمنان به آخرت) گفتند: بسا گروه اندکی که به توفیق خدا بر گروه بسیاری پیروز شدند.

* الهی قمشه‌ای: آنان که به لقاء رحمت خدا و ثواب آخرت معتقد بودند (ثابت قدم مانده) گفتند: چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده.

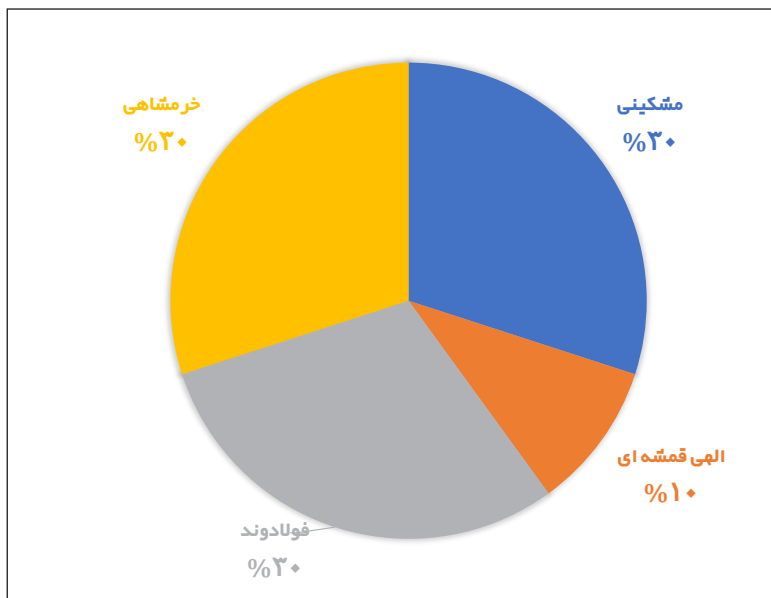
* فولادوند: کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند.

* خرمشاهی: (اما) کسانی که یقین داشتند که به لقای الهی خواهد رسید گفتند: چه بسا

گروهی اندک شمار که به توفیق الهی بر گروهی انبوه پیروز گردیده است. در مورد «کم» اختلاف نظر است. گفته شده «کم» در اینجا احتمال دارد که هم برای استفهام و خبر باشد. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۵۲/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۸۷/۲) و در بعضی از تفاسیر به معنای «کم خبری» و به معنای تکثیر آمده است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۵۶۲/۱؛ ابن عاشور، بی تا: ۴۷۶/۲؛ درویش، ۱۴۱۵: ۳۷۳/۱)

اینک به بررسی ترجمه‌ها پرداخته می‌شود. «کم» در ترجمه مشکینی و فولادوند و در ترجمه خرمشاهی «چه بسا» و در ترجمه الهی‌قمشه‌ای در معنای خود یعنی تکثیر ترجمه شده است. بنابراین از میان ترجمه‌ها، ترجمه الهی‌قمشه‌ای دقیق است. ترجمه پیشنهادی: آنان که به لقاء رحمت خدا و ثواب آخرت معتقد بودند (ثابت قدم مانده) گفتند: چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده است.

◆ نمودار میزان موفقیت ترجمه‌های منتخب در برابرسازی ادوات «قد، رُب، کم»



نتیجه‌گیری

- با توجه به کار ارزشمند مترجمان، ذکر این نکته لازم می‌آید؛ که ادوات تقلیل و تکثیر، گاهی به دلیل شباهت با ادوات دیگر در قرآن کریم، و گاهی به دلیل دلالت بر مفاهیم گوناگون و بسا متناقض، چالشی در برگردان قرآن کریم است و به همین دلیل لازم است در تشخیص نوع ادوات و دلالت معنایی آن‌ها نهایت دقت را داشته باشند.

- از آنجا که این واژگان کارکرد قیدی دارند، لازم است با مراجعه به کتب نحوی، از شیوه‌های کاربرد و کارکرد آن‌ها در جمله آگاهی پیدا کند تا در تعیین رکن مقید جمله جابجایی صورت نگیرد، که باعث تغییر مفهوم کلام شود.

یافته‌های تحقیق با تأکید به نمونه‌های بررسی شده، نشان می‌دهد:

- اغلب ادوات به درستی تشخیص و ترجمه نشده‌اند و خیلی جاها هم دیدگاه مفسران، در مورد این ادوات نادیده گرفته شده است.

- بیشترین لغزش در برگردان «قد» و «رب» بوده و کمترین لغزش شامل ترجمه «کم» است.

کتابنامه

- قرآن (ترجمه الهی قمشهای، خرمشاهی، فولادوند، مشکینی).
- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، تحقیق: علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- اسمر، راجی (۲۰۰۵م): «معجم الادوات فی القرآن الکریم»، بیروت: دارالجیل، چاپ اول.
- انصاری، ابن هشام (۱۹۸۵م): «مغنی اللیب عن کتب الأعراب»، تحقیق: مازن مبارک؛ محمدعلی حمدالله، بیروت: بی نا.
- ابوالسعود، محمدبن محمد (بی تا): «ارشادالعقل السلیم تالی مزایا القرآن الکریم»، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی جا.
- ابوحنان، محمدبن یوسف (۱۴۰۷ق): «تفسیرالنهرالمراد من البحرالمحیط»، بیروت: دارالجنان، چاپ اول.
- ابن هشام عبدالله بن یوسف (بی تا): «مغنی اللیب» قم: کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ چهارم.
- ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی تا): «التحریر و التنویر»، بیروت: مؤسسه التاریخ، بی جا
- الهی قمشهای، مهدی (۱۳۸۰ش): «ترجمه قرآن کریم»، قم: انتشارات فاطمه الزهراء، چاپ دوم.
- بیاتی شوکت، ظاهر (بی تا): «أدوات الإعراب»، بیروت: مجد، بی جا.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق): «انوارالتنزیل و اسرارالتأویل»، بیروت: داراحیاءالتراث العربی، چاپ اول.
- خفاجی، احمدبن محمد (۱۴۱۷ق): «عنایه القاضی و کفایه الراضی»، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- خرمشاهی، بهاءالدین (بی تا): «ترجمه قرآن کریم»، بی جا: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، بی جا.
- حائری تهرانی، علی (۱۳۷۷ش): «مقتضیات الدرر و ملتقطات الثمر» تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- حسینی، علی (۱۳۸۲ش): «ترجمه و شرح ابن عقیل»، قم: انتشارات دارالعلم، چاپ اول.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳ش): «تفسیر اثنا عشری»، تهران: انتشارات میقات، چاپ اول.
- حسینی شیرازی، محمد (۱۴۲۴ق): «تقریب القرآن الی الأذهان»، بیروت: دارالعلوم، چاپ اول.
- حقی برسوی، اسماعیل (بی تا): «تفسیر روح البیان»، بیروت: دارالفکر.
- درویش، محیی الدین (۱۴۱۵ق): «اعراب القرآن و بیانہ»، سوریه: دارالارشاد، چاپ چهارم.
- دحداح، آنتوان (۱۳۷۷ش): «فرهنگ اصطلاحات صرف و نحو عربی»، ترجمه ابوالفضل علامی و صفر سفیدرو، قم: ظفر، چاپ اول.
- دعاس، حمیدان، قاسم (۱۴۲۵ق): «اعراب القرآن الکریم»، دمشق: دارالمنیر و دارالفارابی، چاپ اول.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق): «کشاف عن الحقائق غوامض التنزیل»، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم.
- زحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸ق): «تفسیرالمنیر فی العقیده الشریعه و المنهج»، بیروت: دارالفکر المعاصر، چاپ دوم.
- سمین، احمدبن یوسف (۱۴۱۴ق): «الدرالمصون فی علوم الکتاب المکنون»، تحقیق: احمدمحمدصیره، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- سیوطی، جلال الدین (۱۳۷۶ش): «الاتقان فی علوم القرآن»، ترجمه مهدی حائری قزوینی، عربستان: وزارة الشؤون.
- _____ (۱۹۷۹م): «شرح جمع الجوامع»، تحقیق: عبدالعال سالم مکرم، کویت: بی نا.
- شیر، عبدالله (۱۴۰۷ق): «جوهرالثمین فی تفسیرالکتاب المبین»، تحقیق: محمد بحرالعلوم، کویت: مکتبه الألفین، چاپ اول.
- شوکانی، محمدبن علی (۱۴۱۴ق): «فتح القدر»، دمشق: دارابن کنیر، دارالکلم الطیب، چاپ اول.
- شیرافکن، حسین؛ حامد دلاوری آرتیمانی (۱۳۹۲ش): «ترجمه و شرح فارسی الهدایه فی النحو»، قم: نصایح، چاپ اول.
- صابری، علی (۱۳۹۴ش): «چالش های مترجمان در برگرداندن ادوات تقلیل و تکثیر در ترجمه فارسی»،

سال ششم
شماره اول
پیاپی: ۱۰
بهار و تابستان
۱۴۰۱

- پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عرب، ۱۳: ۱۴۶.
- صاوی، احمد بن محمد (۱۴۲۷ق): «حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین»، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ چهارم.
- صفایی حائری، علی (۱۳۸۱ض): «استاد و درس (صرف و نحو)» قم: لیلۃ القدر، چاپ اول.
- صفایی، غلامعلی (۱۳۸۷ش): «ترجمه و شرح مغنی الأذیب»، قم: قدس، چاپ هشتم.
- صابونی، محمدعلی (۱۴۲۱ق): «صفوة التفاسیر لتفسیر القرآن الکریم»، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- طباطبایی، محمدحسین؛ محمدباقر، موسوی همدانی (۱۳۷۴ش): «ترجمه تفسیر المیزان»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه ی مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دارالمعرفه، چاپ اول.
- طنطاوی، محمد (بی تا): «التفسیر الوسیط للقرآن الکریم»، قاهره: دارنهضه مصر للطباعه و النشر، بی جا.
- عیابنه، یحیی (بی تا): «عطیه تطورالمصطلح النحوی من سبویه حتی الزمخشری»، اردن: عالم الکتب الحدیث.
- عکبری، عبدالله بن الحسین (بی تا): «التبیان فی اعراب القرآن»، عمان: بیت الافکارالدولیه، بی جا.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق): «مفاتیح الغیب»، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم.
- فولادوند، محمدهدی (بی تا): «ترجمه قرآن کریم»، بی جا: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، بی جا.
- فیض کاشانی، محسن (۱۴۱۵ق): «تفسیر صافی»، حقیق: حسین اعلمی، تهران: انتشارات الصدر، چاپ دوم.
- قاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ق): «محاسن التأویل»، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش): «الجامع لأحكام القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول.
- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸ش): «کنز الدقائق و بحر الغرائب»، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- کاشانی، فتح الله (۱۴۲۳ق): «زبدۃ التفاسیر»، قم: بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول.
- _____ (۱۳۳۶ش): «تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین»، تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی، چاپ سوم.
- کشفی، عبدالرسول (۱۳۸۳ش): «دستور کاربردی زبان عربی»، قم: مؤسسه فرهنگی طه، چاپ دوم.
- مدنی، علیخان بن احمد (بی تا): «الحدائق الندییه فی شرح النوائد الصمدیه»، محقق: ابوالفضل سجادی، قم: ذوی القربی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق): «الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل»، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، چاپ اول.
- _____ (۱۳۷۴ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
- مشکینی، علی (۱۳۸۱ش): «ترجمه قرآن کریم»، قم: الهادی، چاپ دوم.
- محمود بختاوی، عماد محمد (۱۴۳۲ق): «ادوات التقلیل و التکثیر فی العربیه»، بیروت: کتاب ناشرون، چاپ اول.
- نظری، مرتضی (۱۳۷۵ش): «شرح نموداری صمدیه علم نحو»، قم: انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد (۱۴۱۶ق): «تفسیر غرائب و رغائب الفرقان»، تحقیق: زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- نحاس، احمد بن محمد، (بی تا): «اعراب القرآن»، بیروت: منشورات محمدعلی بیضون، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

Bibliography

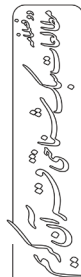
- Qur'an (translated by Elhi Qomshei, Khorramshahi, Foladvand, Meshkini).
- Alousi, Mahmoud, Rooh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem, vol. 8, researched by Ali Abdulbari Atiyeh, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, first: 1415 A.H
- Asmar, Raji, Ma'jam al-Adwat fi al-Qur'an al-Karim, Beirut, Dar al-Jeel, first: 2005
- Ansari, Ibn Hisham, Mughni-al-Labib-an-Kitab-al-Aarib, Volume 1, Research: Mazen Mubarak, Muhammad Ali Hamdallah, Beirut: Bina, 1985.
- Abu al-Saoud, Muhammad bin Muhammad, Irshad al-Aql al-Salim Tay Mazaya al-Qur'an al-Karim, Vol. 8, Beirut: Darahiya al-Tarath al-Arabi, Bicha
- Abuhian, Muhammad bin Yusuf, Tafsir al-Nahr al-Mard man al-Bahr al-Mahait, vol. 2, Beirut: Dar al-Janan, 1407 A.H.
- Ibn Hisham Abdullah bin Yusuf Mughni al-Labib, vol. 1, Qom: the library of Hazrat Ayatollah Grand Ayatollah Marashi Najafi (RA), fourth edition: Beta.
- Ibn Ashur, Mohammad Bin Tahir, Tahrir al-Tanweer, Volume 10, Beirut: Al-Tarikh Institute, Bicha
- Elahi-Qomsheai, Mahdi, translation of the Holy Quran, Qom: Fatima Al-Zahra Publications, 1380 S.H
- Bayati Shokat, Zahir, Al-Arab Tools, Beirut: Majd, Bicha
- Beidawi, Abdullah bin Omar, Anwar al-Tanzil and Asrar al-Tawil, Vol. 4, Beirut: Darahia al-Tarath al-Arabi, 1418 A.H.
- Khafaji, Ahmad bin Muhammad, Inayah al-Qazi and Kefayeh al-Razi, vol. 6, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, 1417 A.H.
- Khorramshahi, Bahauddin, Translation of the Holy Quran, Bija: Qaimieh Computer Research Center, Isfahan, Bicha.
- Haeri-Tehrani, Ali, Muqtaziyat al-Darroum-Maqtiyat al-Thamr, Volume 4, Tehran: Darul-e-Kitab al-Islamiyya, 1377S.H
- Hosseini, Ali, translation and description of Ibn Aqeel, vol. 4, Qom: Darul Alam Publications, 1382 S.H.
- Hosseinishah Abdul Azimi, Hossein bin Ahmad, Tafsir Ashanaashri, Vol. 1, Tehran: Miqat Publications, 1363 A.H
- Hosseini Shirazi, Muhammad, Al-Qar'am al-Qur'an al-Azhan, vol. 1, Beirut: Darul Uloom, 1424 A.H.
- Darvish, Muhyiddin, Arabs of the Qur'an and Bayaneh, Vol. 1, Syria: Daral Arshad, 1415 A.H.
- Dahadah, Antoine, dictionary of simple idioms and Arabic syntax, translated by Abul-fazl Allami and Safar Sefidro, Qom: Zafar, 1377 S.H.
- Daas, Hamidan, Qasim, Arab Qur'an al-Karim, Volume 3, Damascus: Dar al-Muniru Dar al-Farabi, first, 1425 A.H.
- Zamakhshari, Mahmoud, Keshaf an al-Haqaiq Ghwamaz al-Tanzil, vol. 2, Beirut: Darul Kitab al-Arabi, 1407 A.H.
- Zaheili, Wahba bin Mustafa, Tafsir al-Munirfi al-Aqeedah al-Shari'a wal-Manhaj, vol. 18, Beirut: Dar al-Fikr al-Mudhamdin, 1418 A.H.



سال ششم
شماره اول
پیاپی: ۱۰
بهار و تابستان
۱۴۰۱

- Samin, Ahmed bin Youssef, Al-Dar al-Masoun fi Ulum al-Kitab al-Maknoon, Vol. 2, Research: Ahmad Mohammad Sira, Beirut: Dar al-Kitab al-Ulamiya 1414 A.H.
- Siyuti, Jalaluddin, Al-Itqan fi Ulum al-Qur'an, Vol. 1, translated by Mehdi Haeri Qazvini, Arabia: Ministry of Affairs, 1376 A.H.
- Siyuti, Jalal al-Din, Sharh Jama al-Jawama, Volume 4, research: Abdul Al Salem Makram, Kuwait: Bina, 1979.
- Shabar, Abdullah, Johar al-Thamin fi Tafsir al-Kitab Al-Mubin, vol. 2, Research: Muhammad Bahr al-Uloom, Kuwait: Al-Alfin School, 1407 A.H,
- Shukani, Muhammad bin Ali, Fatah al-Qadir, Vol. 3, Damascus: Dara bin Kathir, Dar al-Kalam al-Tayyib, 1414 A.H
- Shirafkan, Hossein, Hamed Delavari-Artimani, Farsi translation and explanation of al-Hidaya fi al-Naha, Qom: Nasayeh, 2012.
- Sabri, Ali, translators' challenges in translating reduplication and multiplication tools in Persian translation, translation researches in Arabic language and literature, 2014.
- Sawi, Ahmad bin Muhammad, Marziyah al-Sawi Ali Tafsir al-Jalalin, vol. 2, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, 1427 A.H.
- Safai-Haeri, Ali, professor (literary and grammar) Qom: Lailat al-Qadr, 1381 S.H.
- Safai, Gholam Ali, translation and interpretation of Mughni al-Adib, vol. 2, Qom: Quds, 1387 S.H.
- Sabouni, Muhammad Ali, Safwa al-Tafasirat Tafsir of the Holy Qur'an, vol. 2, Beirut: Dar al-Fikr, 1421 A.H.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, Mohammad Baqer, Mousavi Hamdani, translation of Tafsir al-Mizan, vol. 17, Qom: Islamic Publications of the Qom Seminary Society, 1374 S.H.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan, al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, vol. 8, Beirut: Dar al-Marifah, 1412 A.H.
- Tantawi, Muhammad, al-Tafseer al-Wasit for the Holy Qur'an, vol.8, Cairo: Darnahda Misr for printing and publishing, Bicha.
- Ababneh, Yahya Atiyeh, Taqwah al-Mustaleh al-Nahawi Man Siboye even Al-Zamakhshari, Jordan: Alam al-Katb al-Hadith, Bita.
- Akbari, Abdullah bin Al-Hussein, Al-Tabayan fi Arab Al-Qur'an, Vol. 1, Amman: Bayt al-Afkar al-Dawliyya, Bicha.
- Fakhrazi, Muhammad bin Umar, Mufatih al-Ghaib, vol. 24, Beirut: Darahia al-Trath al-Arabi, 1420 A.H.
- Foladvand, Mohammad Mahdi, translation of the Holy Quran, Bija: Qaimieh Computer Research Center, Isfahan, Bicha.
- Faiz Kashani, Mohsen, Tafsir Safi, Vol. 3, Research: Hossein Alami, Tehran: Sadr Publications, 1415 A.H.
- Ghasemi, Mohammad Jamal al-Din, Mahasan al-Taweel, Vol. 7, Research: Mohammad Bassel Ayoun Al-Soud, Beirut: Dar al-Kitab Al-Alamiya, 1418 A.H.
- Qortubi, Muhammad bin Ahmad, Al-Jamae Lahkam al-Qur'an, Vol. 18, Tehran: Nasser Khosro Publications, 1364 A.H.

- Qomi Mashhadi, Mohammad bin Mohammad Reza, Kanzald Daqaq and Bahr al-Gharaib, Volume 10, research: Hossein Dargahi, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance, 1368 S.H.
- Kashani, Fathullah, Zubda al-Tafaseer, vol. 3, Qom: Maarif Islamic Foundation, 1423 A.H.
- Kashani, Fathullah, Tafsir Manhaj al-Sadiqin fi Zam al-Makhalifin, Vol. 9, Tehran: Mohammad Hasan Elmi Bookshop, 1336 A.H.
- Kashfi, Abdul Rasool, Arabic Language Practical Grammar, Qom: Taha Cultural Institute, 1383 S.H.
- Madani, Ali Khan bin Ahmad, al-Hadaiq al-Nandiyah fi Sharh al-Nu'aid al-Samdiyah, researcher: Abulfazl Sajjadi, Qom: Dhu al-Qurabi, Beta.
- Makarem Shirazi, Nasser, Al-Hatham fi Tafsir Kitab Allah al-Manzil, vol. 13, Qom: Madrasah of Imam Ali bin Abi Talib, 1421 A.H
- Makarem Shirazi, Nasser, Tafsir Munch, Vol. 12, Tehran: Dar al-Kutb-ul-Islamiyeh, first edition 1374 S.H.
- Meshkini, Ali, Translation of the Holy Quran, Qom: Al-Hadi, 1381 SH
- Mahmoud Bakhitavi, Emad Mohammad, Al-Taqqil al-Takthirfi al-Arabiya tools, Beirut: Kitab Nashrun, 1432 A.H
- Nazari, Morteza, a diagrammatic description of Samadiyyah "The Science of Syntax", Qom: Islamic Publications, 1375 S.H.
- Neishabouri, Nizam al-Din Hasan bin Muhammad, Tafsir Gharib wa Raghaib al-Furqan, Vol. 6, Research: Zakaria Amirat, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, 1416 A.H



سال ششم
شماره اول
پیاپی: ۱۰
بهار و تابستان
۱۴۰۱